

فصل هشتم

یادها و

یادگاراها

در این فصل از کتاب ترجیح داده ایم که به جای سخن گفتن، به یادگارهایی از قهرمانانی بپردازیم که در ظلمات سیاهچالهای رژیم آخوندی، آیه‌های مجسم امید بودند و همچون خورشیدی خونفشان به بذل نور مقاومت و ایثار می پرداختند. یادگارهای باقی مانده از این قهرمانان در زنجیر، در خاطر همه ما و آیندگان نسل فردای میهن زنگ جسارت و شهامت را به صدا درمی آورد و چراغ روشن یقینی را در قلبهای هریک از ما برمی افروزد. «خورشید در اسارت هم خورشید است». همان سان که خود آنان بودند و خورشیدوار با تباهی و شقاوت ارتجاع درآویختند و راههای ظلمت و گمگشتگی را به سوی آزادی و نور و آرمان والای انسانیشان گشودند.

تصاویری که در این فصل ملاحظه خواهید کرد، یا گزیده عکسهای یادگاری تعدادی از این شهیدان است یا دست ساخته های آنان که اغلب در سلولهای انفرادی و کنج سیاهچالها درست شده و دست به دست گشته تا به سازمان رسیده اند. این یادگاراها در موزه مقاومت گردآوری شده و به همراه زندگینامه ها و خاطراتی که از آنان نقل شده است نگهداری می شود. باشد که در فردای آزادی میهن، آنان را در موزه بزرگی که به نام آنان تشکیل خواهد شد در معرض دید همه خلق قهرمان ایران قرار دهیم.



تصاویری از موزه انقلاب نوین مردم ایران



کاردستی که توسط زندانیان زندان کازرون تهیه شده است

تسبیح مجاهد شهید داریوش آذرنگ

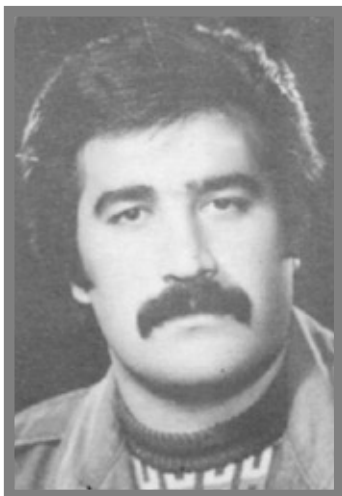


این تسبیح را مجاهد شهید داریوش آذرنگ، از اسطوره‌های مقاومت در زندان مشهد، قبل از شهادتش به هم‌رزم مجاهدش محمد اخوان هاشمی می‌سپارد و چندی بعد محمد نیز به اعدام محکوم می‌شود و او هم آن را به یادگار در نزد یکی از هم‌زمان مجاهدش باقی می‌گذارد.



گردنبندی به شکل اشک

این گردنبند که به مسعود و مریم هدیه شده است، دگمه لباس مجاهد شهید محسن یحیوی است که به شکل اشک ساییده شده و پس از شهادت محسن همراه با یادداشتی در لباس محسن پیدا شد که جاسازی شده بود مضمون یادداشت چنین است: گردنبند نسیم - دختر خوبی که می‌دانم کارهای ناتمام دایش را تمام می‌کند.



یادگاری از مجاهد شهید اکبر چوپانی

کمتر کسی است که مجاهد شهید اکبر چوپانی را در سالهای پس از انقلاب، چه در بیرون زندان و چه در داخل زندان دیده باشد، ولی این کلاه را نشناسد. یکی از همزمان اکبر می گوید: او به کوهنوردی بسیار علاقمند بود. یک بار که با او به قلعه «میشو» صعود کردیم، او شروع به خواندن سرود «۴ خرداد» کرد:

در ستیغ کوه، در بلند ابر
در همه آبی دریا بشنوم سرودتان ...
ما نیز بلافاصله پشت سر او قرار گرفته و با صدای بلند با او همراهی کردیم. او هنگامی که این سرود را می خواند همین کلاه را بر سر داشت.



یادگاری از مجاهد شهید پرویز نیک طالعان



بر روی این گردنبند کلمه «عاصفه» حک شده است. این گردنبند یادگار مجاهد شهید پرویز نیک طالعان است که پس از شهادتش به بیرون از زندان فرستاده شد و اینک در موزه انقلاب نوین ایران نگهداری می شود.

«عاصفه» نامی است که پرویز و همزمانش در زمان مخفی بودنشان در مکالمات تلفنی به عنوان نام مستعار سازمان به کار می برده اند.



از راست به چپ: مجاهدین شهید جمشید غیائی، پرویز نیک طالعان و حمید نیک طالعان در سفری به کردستان

سند تکان دهنده‌ی از حلق آویز مجاهد شهید سعید آقاملکی



یکی از سندهای تکاندهنده از بیشمار جنایتهای رژیم ضدانسانی آخوندی، پیراهن مجاهد شهید سعید آقاملکی است. این پیراهن که هنگام حلق آویز این مجاهد دلیر بر تن وی بوده است، بر اثر تکانهای ناشی از حرکات شهید به هنگام حلق آویز پاره شده است.



این لباس، پس از مدتی توسط یکی از همزمان شهید، از ایران خارج شده و وابسته به واحد تحقیق شهیدان اهدا می شود تا بازگوکننده یکی از هزاران راز سربه مهر مردم ستمکشیده ما باشد.



مجاهدین شهید بهمن جوادی اصل و الهه عروجی همراه با کودک خردسالشان



مجاهد شهید ابراهیم نصیری در دوران فعالیت‌های قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷



مجاهد شهید
رضیه آیت الله زاده شیرازی



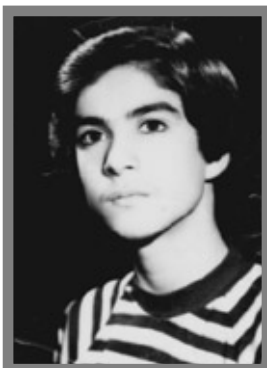
مجاهدین شهید مرتضی آیت الله زاده شیرازی (سمت چپ) به همراه دو فرزند خردسالش سمیرا و میثم و
احمد آیت الله زاده شیرازی (سمت راست) با فرزند خردسالش علی



مجاهد شهید محسن رهبری (کوههای شمال تهران)



مجاهد شهید مصطفی بهزادی



مجاهد شهید مجید خادمی



شناسنامهٔ مجاهد شهید مجید خادمی



مجاهد شهید عبدالرحمان رحمتی



مجاهد شهید پرویز سلیمی



مجاهد شهید محمد کوسچی



یادگاری از
دوران
میلشیاپی
مجاهد شهید
محمود حسنی